



نشر شهید کاظمی

عنوان و نام

پدیدآور: شهید حسین خرازی / به

کوشش مؤسسه شهید کاظمی

مشخصات نشر: قم: انتشارات شهید کاظمی، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۶۷ ص: مصور، عکس، نمونه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۵-۲۸۴-۹

وضعیت فهرست نویسی: قیما

یادداشت: کتابنامه: ص ۶۸

موضوع: خرازی، حسین ۱۳۳۶-۱۳۶۵.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- سرگذشتنامه

Martyrs -- Biography -- Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸

شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات

Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries

کوشش مؤسسه سرانشکر شهید حاج احمد کاظمی

کتاب: DSR ۱۴۲۶

رده: ۹۵۵/۰۸۳۳

شماره کتابشناسی: ۹۳۱-۱۳۹

اطلاعات: رکورد کتابشناسی

شهید حسین خرازی

مؤسسه شهید کاظمی

به کوشش

انتشارات شهید کاظمی

ناشر

۱۰۰۰ نسخه

شمارگان

ششم / تابستان ۱۴۰۳

نوبت چاپ

۹-۲۸۴-۲۸۵-۶۲۲-۹۷۸

شابک

۳۰۰۰۰ تومان

قیمت

www.ketab.ir

تقدیم به

حاج آقا

www.ketab.ir

راه شهدای ما راه
حق است. اول می خواهیم
که آن‌ها را بخشیده و شفاعت
مراد در روز جزا کنند و از خدا
می خواهیم که ادامه دهند
راه آن‌ها باشیم.

www.ketab.ir

ولادت: ۱ شهریور ۱۳۳۶

شهادت: ۸ اسفند ۱۳۶۵

مکان شهادت: منطقه عملیاتی کربلای پنج

مزار شهید: گلستان شهدای اصفهان

● زندگی شهید در یک نگاه

شهید حسین خرازی در یکم شهریور ۱۳۳۶ در اصفهان چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۵۵، پس از آنکه دیپلم طبیعی‌اش را گرفت، برای گذراندن دوران سربازی، به مشهد اعزام شد. او در کنار گذراندن دوران خدمت، فعالانه به تحصیل علوم قرآنی در مجامع مذهبی مشغول بود. از همان روزهای اول انقلاب، در کمیته دفاع شهری مسئولیت پذیرفت و برای مبارزه با ضدانقلاب داخلی و جنگ‌های کردستان، قامت به لباس پاسداری آراست و لحظه‌ای آرام نگرفت. یک سال صادقانه در این مناطق خدمت کرد و مأموریت‌های محوله او را راهی گنبد کرد. با شروع جنگ تحمیلی، به تقاضای خودش، راهی خطه جنوب شد و در اولین خط دفاعی، مقابل عراقی‌ها در منطقه دارخوین به مدت سه ماه، با تجهیزات جنگی و امکانات تدارکاتی بسیار کم استقامت ورزید و دلاورانی قدرتمند تربیت کرد. در سال ۱۳۶۰، پس از آزادسازی بستان، تیپ امام حسین (ع) را رسمیت داد که بعدها با درخشش او و نیروهایش در رشادت‌ها و جان‌فشانی‌ها، به لشکر امام حسین (ع) ارتقا یافت. حسین شخصاً به شناسایی می‌رفت و

تدبیر فرماندهی‌اش براساس اصل غافل‌گیری و محاصره بود، حتی در عملیات والفجر ۳ و ۴ خودش شب تا صبح عملیات در خاک‌ریزش شرکت کرد و در تمامی عملیات‌ها پیش‌قدم بود. حسین قرآن را بسیار زیبا تلاوت می‌کرد و با مفاهیم آن مأنوس بود. او افزون‌بر داشتن تدبیر نظامی، شجاعت کم‌نظیری داشت. به نظم در امور و رعایت انضباط نظامی مقید بود و در آموزش نظامی و تربیت نیروهای کارآمد، اهتمام می‌ورزید. حساسیت بی‌اندازه و دقت بسیاری در مصرف بیت‌المال و اجرای دستورات الهی داشت.

از سال ۱۳۵۸ تا لحظه آخر حضورش در صحنه مبارزه، تنها ایام مرخصی کاملش هنگام زیارت خانه خدا بود (شهریور ۱۳۶۵). در سایر موارد، هر سال یک بار به مرخصی می‌رفت و پس از دیدار با خانواده شهدا و معلولین، با یاران باوفایش در گلستان شهدا به خلوت می‌نشست و در اسرع وقت به جبهه بازمی‌گشت. در مدت حضورش در جبهه، سی ترکش میهمان پیکر او شد و در عملیات خیبر دست راستش را به خدا هدیه کرد. او باآنکه یک دست نداشت، برای تأمین و تدارکات رزمندگان در خط‌مقدم مجاهدانه تلاش

می‌کرد. در عملیات کربلای ۵، زمانی که در اوج آتش توپخانه دشمن، رساندن غذا به رزمندگان با مشکل مواجه شد، حاج حسین خودش پیگیر کار شد و انفجار خمپاره‌ای، این سردار بزرگ را در روز جمعه ۸ اسفند ۱۳۶۵ به سربازان شهید لشکر امام حسین (ع) پیوند داد و روح عاشورایی او به ندبه شهادت، زائر کربلا گشت و بنا به سفارش خودش، در قطعه شهدا و در میان یاران بسیجی‌اش میهمان خاک شد.

www.ketab.ir